



حامیان طرح
بازنشستگی،
اصلی‌ترین
متعهدان
آن هستند
که بایستی
ریسک ناشی از
عملکرد مالی
ضعیف صندوق
بازنشستگی
را تحمل
شوند. تحت
این شرایط
برای طرح
بازنشستگی
با مشارکت
مشخص ساختار
حاکمیتی باید
به گونه‌ای
طراحی شود
که مشتریان
طرح دارای
امکان نظارت
بر عملکرد
مالی آن بوده
و در صورتی که
طرح
بازنشستگی در
قالب مزایای
مشخص
باشد، ساختار
حاکمیتی باید
به گونه‌ای
طراحی شود که
حامیان طرح
بازنشستگی
دارای امکان
نظارت بر
عملکرد مالی
صندوق باشد.

مالیات‌پردازان است و از طریق درآمدهای عمومی دولت باید کسری صندوق در قبال تعهدات آن جبران شود. این بحث، بر این اصل استوار است که مزایای پرداختی به مشترکان کاهش‌دانی نیست. تحت شرایطی که امکان کاهش مزایا وجود داشته باشد، مشترکان صندوق نیز از متعهدان اصلی آن به شمار می‌روند. به صورت کلی ممکن است شرایطی وجود داشته باشد که گروه‌های مختلفی به عنوان متعهدان اصلی طرح به شمار روند؛ بنابراین دارای انگیزه کافی برای نظارت بر عملکرد آن باشند. تحت این شرایط، هر دو گروه مالیات‌پردازان و مشترکان به عنوان متعهدان طرح به شمار می‌روند و بر مبنای نظریه نمایندگی هر دو گروه باید دارای حق نظارت بر تصمیمات، مشتمل بر تصمیمات نحوه تخصیص سبد دارایی‌ها، نظارت بر مدیریت دارایی‌ها و سایر تصمیمات مدیریتی باشند. در ارتباط با صندوق‌های بازنشستگی عمومی، با در نظر گرفتن وسیع بودن دامنه ذی‌نفعان و متعهدان طرح، اعمال حق کنترل بر آنها فقط از طریق هیأت امنای متشکل از نمایندگان ذی‌نفعان و متعهدان طرح امکان‌پذیر است.

در این شرایط، چالش پیش‌روی رؤسای صندوق‌های بازنشستگی عمومی این است که چگونه نظارت و مشوق‌های مناسب را برای هیأت امنای ایجاد کنند. برای اینکه متوجه شویم کدام مکانیسم حکمرانی مناسب است، نخست باید رفتار اعضای هیأت امنای بررسی و سازوکار تشویق - تنبیه عملی شود. بر مبنای تحقیقات انجام‌شده، استفاده از نظارت نتیجه‌محور با مشکلاتی مانند نبود امکان اندازه‌گیری نتایج، بلندمدت بودن نتایج تصمیمات، نبود امکان محاسبه سهم تصمیمات در موفقیت روبه‌رو بوده و بنابراین رویکرد رفتارمحور در ارتباط با حکمرانی بهینه در صندوق‌های بازنشستگی عمومی پیشنهاد می‌شود.

از سوی دیگر، در ارتباط با ساختار حکمرانی در صندوق‌های بازنشستگی عمومی، برخلاف حکمرانی شرکتی، که انواع روش‌های نظارت داخلی و خارجی برای آن معرفی شده است، برای صندوق‌های بازنشستگی عمومی، هیأت امنای تنها روش نظارت است. نخستین موضوعی که در ارتباط با هیأت امنای باید به آن توجه کرد، ترکیب هیأت امناست. هیأت امنای صندوق‌های بازنشستگی عمومی، متشکل از سه گروه اصلی است. این سه گروه شامل نمایندگان منتخب مشترکان، نمایندگان منتخب دولت یا صاحب‌منصبان دولتی است که هیأت امنای صندوق هستند. در صندوق‌های بازنشستگی عمومی، مشکلات ناشی از کژمنشی، عمدتاً ریشه در هیأت‌انماهایی داشته که یا منتصب به دولت بوده یا صاحب‌منصبان دولتی داشته باشند. تحت این شرایط، دولت قادر است هیأت امنای را برای استفاده از دارایی‌های صندوق در راستای سایر منافع اجتماعی و سیاسی کنار بگذارد. انتخاب اعضای هیأت امنای وابسته به دولت همانند ایجاد ساختار حاکمیت شرکتی برای یک بنگاه اقتصادی متشکل از مدیران داخلی آن بوده و مخالف با اصول نظارت است. اعضای هیأت امنای در صورتی که از طرف مشترکان طرح انتخاب شوند، فشار سیاسی کمتری را نسبت به دیگر گروه‌های نمایندگی متحمل شده و بنابراین قادر خواهند بود بر منافع ذی‌نفعان و مشترکان تمرکز کنند.

دومین موضوع این است که ساختار حکمرانی باید دارای درک روشنی از کسانی که در قبال آنها پاسخگو هستند باشد. در

صندوق‌های بازنشستگی عمومی، متعهدان اصلی طرح به دو گروه اصلی تقسیم می‌شوند: مالیات‌پردازان و مشترکان طرح. بنابراین هیأت امنای در قبال هر دو گروه مسئول است. برای آن دسته از هیأت‌های امنای که قادر به شناسایی گروه‌های مالکیت و ذی‌نفع خود هستند، می‌توانند به صورتی معنادار علایق و انتظارات این گروه‌ها را مشخص کنند و بر مبنای آن، مأموریت سازمان را تعریف و تلاش‌های خود را روی آن متمرکز کنند. در صورتی که اعضای هیأت امنای نتوانند به صورت مناسب و شفاف، افرادی را که در برابر آنها پاسخگو هستند شناسایی کنند، احتمالاً قادر نخواهند بود تا به صورتی مناسب صندوق را نظارت و راهبری کنند.

سومین موضوع، شناسایی نقش‌های هیأت امنای است. هیأت امنای در قبال تصمیمات متفاوتی در ارتباط با صندوق، شامل مشخص کردن مفروضات بیمه‌سنجی، سرمایه‌گذاری دارایی صندوق، مشخص کردن مزایا و سایر تصمیمات مرتبط با صندوق دارای نقش نظارتی است. یکی از نقش‌های کلیدی هیأت امنای، تدوین استراتژی سرمایه‌گذاری است تا بازده سطح ریسک قابل تحمیل ذی‌نفعان را بهینه کند و نقدینگی کافی را برای پرداخت مزایای بازنشستگی مورد نیاز تأمین کند. در بسیاری از صندوق‌های بازنشستگی جهان، هیأت امنای این نقش‌های خود را از طریق کمیته‌های تخصصی انجام می‌دهد.

چهارمین موضوعی که در ارتباط با هیأت امنای باید مدنظر قرار گیرد، شاخص‌هایی است که باید بر آنها نظارت مستمر داشته باشد. در صندوق‌های بازنشستگی عمومی، هیأت امنای می‌تواند عملکرد صندوق را بر مبنای سطح تعادل آن، میزان بازده سرمایه‌گذاری‌ها، دستیابی به مجموعه‌ای از اهداف سرمایه‌گذاری، کاهش هزینه‌های اداری و ایجاد برخی از شاخص‌های ترکیبی اندازه‌گیری کند. ناتوانی هیأت امنای در تشخیص اهداف عملکردی می‌تواند منجر به ناکارایی آن شود.

آخرین موضوع در راستای ایجاد ساختار حکمرانی بهینه صندوق‌های بازنشستگی عمومی، توجه به مفهوم شفافیت و اطلاع‌رسانی است. اطلاعات، بخش مهم و ضروری رفتار نظارت محور را تشکیل می‌دهد. هیأت امنای نیازمند اطلاعات است تا بتواند به صورت مناسب عمل کند و گروه‌های ذی‌نفع به اطلاعات نیاز دارند تا بتوانند از اعضای هیأت امنای آن را پیگیری کنند. اطلاعات باید به میزانی وجود داشته باشد که مزایای حاشیه‌ای ناشی از اطلاعات برابر و یا فراتر از هزینه‌های حاشیه‌ای تولید اطلاعات باشد. اطلاعات ممکن است از منابع مختلف به دست آید و مربوط به موضوعات متفاوتی باشد. یکی از اصلی‌ترین منابع ایجاد اطلاعات گزارشات حسابرسی سالانه است. حسابرسان اطلاعات مورد نیاز هیأت امنای را ایجاد کرده و با ارائه آن به صورت عمومی، جامعه را قادر می‌کند تا نسبت به سلامت مالی طرح آگاهی پیدا کنند. عمده صندوق‌های بازنشستگی عمومی، از حسابرسان مستقل برای ایجاد این قبیل اطلاعات استفاده می‌کنند. دیگر اطلاعات مرتبط مشتمل بر اطلاعات مرتبط با سرمایه‌گذاری‌های صندوق بازنشستگی عمومی است. این اطلاعات عبارتند از نرخ بازده سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت و بلندمدت به تفکیک، نحوه تخصیص سبد دارایی‌ها، شاخص ریسک و نوسانات بازدهی. همچنین باید گزارشی در ارتباط با استفاده از دارایی‌های صندوق در طرح‌های اجتماعی نیز ارائه شود.